

امام:

باید از راه شکست عراق، دنبه

قبلا باید تشکر کم از آقایان و روحانیون و آقایان خطبا که از تهران، و از قراری که گفته اند، از قم تشریف آوردند و خدمتشان رسیدیم و امیدواریم که همه موفق به خدمت اسلام و مسلمین باشند

مطالب، زیاد است، لیکن یک مطلب راجع به آقایان خطبا و علما عرض میکنم و یک مطلب هم راجع به مسائل روز که ایلا بهش داریم آن مطلبی را که راجع به آقایان خطبا عرض میکنم این است که عمق این کاری را که شما دارید و عمق ارزش مجلسهای عزاداری کم معلوم نشده است و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است. اینکه در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم، کر بلا اقدر ارزش قائلند، حتی برای ساجی، بصورت گریه بر آمدن ارزش قائلند، نه از باب این است که سید مظلومان احتیاج به این کار دارد، نه این است که فقط برای صواب بردن شمار مسلمین باشد، گر چه همه صواب هست، لیکن چرا این صوابها برای این مجالس عزا اقدر عظیم قرار داده است و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی ساجی، اقدر صواب داده است؟ کم این مسئله از دید سیاسی معلوم میشود و انشاءالله بعدها بیشتر معلوم میشود. اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزا، برای نوحه خوانی، برای اینها اینهمه صواب داده شده است، علاوه بر آن امر عبادش و روحانیون، رنگی مسئله مهم سیاسی در کار بوده است. آن روزی که این روایات صادر شده است روزی بوده است که این فرقه ناحیه مبتلا بودند به حکمت اموی و بیشتر عباسی، و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت، کمی، در مقابل قدرتهای بزرگ، در آن وقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمانده

در دفعه اول که مرا از قم گرفتند و بردند، در بین راه، بعضی از این مامورینی که بودند در اتومبیل من، می گفتند ما که آمدیم سراغ شما، از این چادرهایی که در قم بود میترسیدیم، که مبادا اینها مطلع شوند و ما نتوانیم انجام وظیفه کنیم، اینها که هیچ قدرتهای بزرگ از این چادرها میترسند قدرتهای بزرگ از این سازمانها که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند، که خود بخود ملت را بهم جوساندهاند در سراسر یک کشور، کشور پهناور، در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است، و اگر بگویی فطری خواهد برای اسلام خدمتی کند و شخصی بخواید که مطلبی را بگوید، متراسر کشور بواسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت، یک دفعه منتشر میشود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسنی، اسباب این میشود که سازمان داده شده باشد.

اگر قدرتهای بزرگ در منطقه های خودشان

*** ما هم جنگمان تمام نشده، الان در حال جنگ هستیم و تا در حال جنگ هستیم، جوانهای ما باید به جبهه ها کمک کنند، همانطوریکه تا حالا جوانهای عزیز ما در جبهه ها رفتند و بسیاری از آنها به لقاء... و فیض شهادت رسیدند**

خواهند که یک اجتماع ایجاد کنند، با فعالیتهای زیادی که شاید چند روز یا چند دهه میکنند، در یک شهری، یک عده فرض کنید صد هزار نفری، پنجاه هزار نفری با خرجهای زیاد و زحمتهای زیاد مجتمع میشوند و به قول آن کسی که میخواهد صحبت کند گوش میدهند. لیکن شما ببینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را بهم پیوند داده است، این مجالس عزانی که مردم را بهم جوش داده است، به مجرد اینکه یک مطلبی پیش میاید، در یک شهر نه، در سراسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهداء، مجتمع میشوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود، ندارد یک کلمه وقتی مردم ببینند که این کلمه از

است، و آن، نقل از منابع و جریه اینها که برای این مجالس، اینقدر عظمت هست، و برای این اشکها، اقدر در جول و بر این اشکها و عزاداریها، شیعیان یا اقلیت آنوقت اجتماع میکردند و شاید بسیاری از آنها هم نمیدانستند مطلب چی هست. ولی مطلب، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریتها، و در طول تاریخ این مجالس عزا که یک سازماندهی سراسری کشورها هست، و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه هست، در مقابل حکومتهایی که پیش میامدند و بنا بر این داشتند، که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها را میترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود.

حانوم سیدالشهداء سلام... علیه بیرون میاید، همه با هم مجتمع میشوند. اینکه بعضی از ائمه (شاید امام باقر بوده من الان خوب یادم نیست) میفرمایند که برای من یک نوحه سر در منا گذارید که آنجا برای من گریه بکند و عزابگیرد، نه این است که حضرت باقر سلام... علیه احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصا فایده ای داشته است این جنبه سیاسی اینرا ببینید در منا آن وقتی که از همه افطار عالم آدم میاید آنجا، یک کسی بنشیند و اشخاصی نوحه سرانی کند برای امام باقر و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را مثلا به شهادت رساندند، ذکر کند و این مسئله موجی باشد در همه دنیا، این مجالس عزا را دست کم گرفتند شاید غرب زده ها به ما میگویند که ملت گریه، و شاید خودبها نمی توانند تحمل کنند که یک قطره اشک مقابل چقدر ثواب است، یک مجلس عزا چقدر ثواب دارد، نتوانند هضم کنند و نتوانند هضم کنند آن چیزهایی که برای ادعیه ذکر شده است و آن نوابهائی که برای دو سطر دعا ذکر شده است، نمیتواند آنرا ادراک و هضم کنند.

جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم به یک بکنه، این است که یک ملت را بسیج میکنند برای یک مقصد اسلامی. مجلس عزا، نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهداء و اجر ببرند، البته

این هم هست، و دیگران را اجرا خوری نصیب کند. بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه مادر صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد. و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده است و هیچ چیز نمیتواند اینکار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهداء در او تاثیر دارد، تاثیر بکند. شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزانبرود، و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرانی نبود پانزده خرداد پیش می آمد هیچ قدرتی نمیتوانست ۱۵ خرداد را انطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهداء، و هیچ قدرتی نمی تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرتهای بزرگ برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزا.

لبنان برویم

در این مجالس عزای و سوگواری و نوحه سرانی برای سیدمظلومان و اظاهر مظلومیت یک کسی که برای خدا و برای رضای او جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، اینطور ساخته جوانان را، که میروند در جبهه ها و شهادت را میخوانند و افتخار به شهادت میکنند و اگر شهادت نصیبشان نشود متأثر میشوند. و انطور مادران را میسازد، که جوانهای خودشان را از دست میدهند و باز میگویند باز هم یکی دوتا داریم.

این مجالس عزای سیدالشهداء و مجالس دعا و

*** همه گویندگان موظفند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعت و چه خطبا و همه نویسندگان موظفند که این توطئه را افشا کنند و ذکر کنند و مردم را از توجه به جنگ خودمان غافل نکنند**

دعای کبیل و سایر ادعیه است که میسازد این جمعیت بطوریکه با همین ایده و با همین برنامه به پیش برود، و اگر چنانچه واقعا بفهمند و بفهمانند مساله چی هست، و این عزاداری برای چی هست و این گریه برای چی اینقدر ارج پیدا کرده، و اجر پیش خدا دارد، آنوقت ما را ملت گریه نمی گویند. ما را ملت حماسه می خوانند.

اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد سلام الله علیه که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه ای که از او باقی مانده است، چه کرده است و چطور میتواند تجهیز بکند، بمانعی گفتند که ادعیه برای چیست. اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس، این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت، چه سیاسی و اجتماعیش چیست، نمی گویند که برای چه اینکار را بکنیم. تا تمام روشنفکرها و تمام غریزه ها و تمام

جهاد



غرب زده ها هم مجلس بپا میکنند و عزاداری میکنند. اگر چنانچه ملت را بخوانند و کشور خودشان را بخوانند. من امیدواریم که هرچه بیشتر و هرچه بهتر این مجلس برپا باشد. (انشاء...)) و از خطبای بزرگ تا آن نوحه خوان در این تاثیر دارد. آنکه ایستاده پای منبر، چند شعر میگوید و چند شعر می خواند، و آنکه در منبر است و خطیب است. اینها هر دو در این مسئله تاثیر دارند. تاثیر طبیعی دارند.

گرچه خوب، بعضی اشخاص هم ندانند دارند چه میکنند. من حیث لایسهر، تقریبا ما به این مرتبه رسیده ایم که ملت ما یک دفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه لطفا ورق بزنید

قدرتمندان اگر جمع بشوند، نمیتوانند یک بازنده خرداد را ایجاد کنند. آنچه این قدرت را دارد، این است که در تحت لوای او همه مجتمعند. ما که داد میزنیم که: ما اسلام را میخوانیم، جمهوری اسلامی را میخوانیم برای اینکه در جمهوری اسلامی، به ما، اینکه اسلامی است و برای خدا است، همه ملت مجتمع هستند. و ما دیدیم که با برای خاطر همین جمهوری اسلامی، بودند. و برای خاطر همین که برای خدا قیام کردند، این جمهوری اسلامی برخوردار از چه قدرتی از ملت و از سایر کشورها هم برخوردار شده است.

ملت ما قدر این مجلس را بدانند. مجالسی است که زنده نگه میدارد ملتها را، در ایام عاشورا زیاد و زیادت در سایر ایام هم غیر این ایام متبرکه، هفته ها است. و جنبشهای اینطوری هست. اگر بعد سیاسی اینها را، اینها بفهمند، همین

امام: باید از راه

چیز ما را وابسته کرده بود. یک دفعه یک انفجاری حاصل شد که این انفجار در برکت همین مجالسی که همه ما، کشور را، همه مردم را دور هم جمع میکرد. و همه به یک نکته نظر میکردند. این مسأله را باید آقایان خطبا و انجمن جماعت و انجمن جمع، درست بیشتر از آنقدری که من میدانم، برای مردم تشریح کنند. تا اینکه گمان نکنند ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه ها یک قدرت دوهزاروپانصدساله را از بین بردیم (کبیر) از باب اینکه تذکر به آقایان و مومنین نفع دارد. دوسه تا جمله هم اینطور عرض میکنم. و آن، اینکه همه آقایانی که درجای از این

مراقب حفظ حیثیت اسلام که شماها پاسدار آن هستید. و حفظ حیثیت جمهوری اسلامی که شماها نگهداران او هستید. از کارهایی که نباید انجام بدهید. از کارهایی که دخالت در امور اجرایی است. که با کسی دیگری است که انجام بدهد. مستقیماً عمل نکنید. ارشاد بکنید همه را. نظر ارشادی داشته باشید. اگر یک مطلب اشتباهی از یک استاندار واقع شد یا از یک فرماندار، در منابر نبرید. این را و آبروی او را بریزید. این امری است که خدا راضی نیست. به او بگویند در خلوت، و با او تفاهم کنید و از او بخواهید که رویه را تغییر بدهد. اگر نداد، به مصادر امور مراجعه کنید.

دولت کسب نکند که ما در یک
سیاست احسانیه در حوزه های مختلف
توجه همه امور را دارد و کند محنت

مستقیماً بخواهید این کار را بکنید. حیثیت جمهوری اسلامی و حیثیت اسلام در دنیا لکه دار میشود. و شما حافظ این حیثیت هستید و فریضه است برای همه ما حفظ حیثیت این جمهوری اسلامی شما مینباید که امروز همه قلمها و همه زبانها از ایرقدهتها یا دولت‌های مرتبط به آنها، برضد این جمهوری دارند میکنند. ما دیگر بهانه دست آنها ندهیم.

و من این یک کلمه را عرض بکنم. شاید قیلاً هم عرض کرده باشم. و آن، اینکه من از اول که در این مسائل بودیم و کم کم آثار پیروزی داشت پیدا میشد، در مصاحبه هایی که کردم، چه با کسانی که از خارج آمدند حتی در نجف و در پاریس، و چه در حرفهایی که خودم زدم، این کلمه را گفته ام که روحانیون شغلشان یک شغل بالاتر از این مسائل اجرایی است و اگر چنانچه اسلام پیروز بشود روحانیون میروند سراغ شغل‌های خودشان. لکن وقتی که ما آمدیم و وارد در معرکه شدیم، دیدیم که اگر روحانیون را بگوینم همه بروند سراغ مسجدها، این کشور به حقوق امریکا یا شوروی میرود. ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاصی که در رأس واقع شدند و از روحانیون نبودند، در عین حالی که بعضی شان هم متدین بودند، از باب اینکه آن راهی که ما می خواستیم برویم، و آن راهی که مستقل و نماند و جو خودمان بسازیم و زیر فرمان قدرتهای بزرگ نباشیم، آن راه با سلیقه آنها موافق نبود.

و لهذا چون آنجا دیدیم که مانعی توانیم در همه

کشور هستند و صدای من را میشوند، چه از طبقه علما و انجمن جماعات و جمعه، و چه از طبقه و عاقل و خطبا که آنها هم از علما هستند. و کسانی که در بلاد، از روحانیون، متصدی این مامور هستند. توجه به این معنا داشته باشند که امروز آبروی جمهوری اسلامی به دست شما بسته است.

اگر خدای نخواست یک دخالت‌های بی خود و بی جا، یک کارهایی که از روحانیون صحیح نیست. انجام دهید، این جمهوری اسلامی لکه دار میشود. دولت باید به قدرت خودش باقی باشد و امروز دولت، دولت اسلامی است و بر همه ما فریضه است که از این دولت اسلامی پشتیبانی بکنیم.

مامورینی که از دولت میاید، در همه جا مامورین دولت اسلامی است. اگر خدای نخواست از یک مامور، که من حیث اینکه درست اطلاع بر مسائل ندارد، یا اشتباه میکند، یک مطلبی که برخلاف ذائقه شماست و یا برخلاف مسائل اسلامی است، از او صادر بشود. مقابله نکنید، تضعیف نکنید او را، نصیحت کنید. اگر چنانچه نصیحت را گوش نکرد، به مصادر امور مراجعه کنید. انجمن جمعه بلاد، نصب و عزل نکنند. و کسانی که در بین ارتش یا سایر ارگانها، انجمنهای اسلامی دارند، اینها دخالت‌های غیر چیزهایی که بر عهده آنها است، نکنند. ارشاد بکنند دولت را ارشاد بکنند مامورین را و همه کسانی که در پیش آنها هست، آنها را ارشاد بکنند. و اگر چنانچه کسی هم به گوش به ارشاد ندارد، به مصادر اموری که مسئولیت دارند مراجعه کند، حل خواهد شد.

جائزای بیدار کنیم که صد درصد برای آن مقصدی که این ملت ما برای اوجوانهاشان را دادند، و امواتشان را دادند نمی توانیم بیدار کنیم، ماتن دادیم به اینکه رئیس جمهورمان از علما باشد گاهی فرض کنید که نخست وزیرمان هم همینطور، و در جاهای دیگر هم که قبلاً گفته بودیم بنامداریم اینطور باشد... هر روزی که ما فهمیدیم که این کشور را یک دسته از این افرادی که روحانی نیستند، انطوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است اداره می کنند، آقای خامنه‌ای تشریف می برند و سراغ شغل روحانی بزرگ خودشان و نظارت بر امور، و سایر آقایان هم همینطور.

ما اینطور نیست که هر جای کلمه‌ای گفتیم و دیدیم مصالح اسلام، حالاً ما آمدیم دیدیم اینجور نیست اشتباه کرده بودیم، بگوینم ماسراشتباه خودمان باقی هستیم. ما هر روزی فهمیدیم که این کلمه که امروز گفتیم اشتباه بوده، و قاعده‌اش اینست که یک جور دیگر عمل بکنیم، اعلام می کنیم که آقا، این را ما اشتباه کردیم باید اینجوری بکنیم. ما دنبال مصالح هستیم نه دنبال پیشرفت حرف خودمان. (تکبیر حضار) بنابراین، مسأله یک چیزی نیست که آقایان به ما بگویند: شما آن روز اینجوری گفتید. راست است. ما آن روز خیال کردیم که داریم قشرهای تحصیل کرده و متدین و صاحب افکار، افرادی هستند که بتوانند این مملکت را به آنجوری که خدای خواهد، ببرند. و انطور اداره کنند وقتی دیدیم نه ما اشتباه کردیم، آمدند بعضی شان خودشان را به ماها جازند، ما هم که غیب نماندیم، و بعضی شان هم خوب بودند، لیکن رایشان بارانی ما مخالف بودند ما از حرفی که در مصاحبه ها گفتیم، عدول نکردیم. و موقتا تا آن وقتی که این کشور را غیر روحانی می تواند اداره کند آقایان روحانی به ارشاد خودشان و به مقام خودشان بر می گردند و محول می کنند دستگاههای اجرایی را به کسانی که برای اسلام کار میکنند و تا مسأله اینطور هست که ایام پیش ما هست، احتمال هست اگر در میلیون احتمال یک احتمال ما بدیم که حیثیت اسلام یا بودن فلان آدم یا فلان قشر در خطر است ما ماموریم که جلویش را بگیریم تا آنقدری که میتوانیم هر چه می خواهند به ما بگویند. بگویند که کشور ملایان، حکومت آخوندیسم و از این حرفهایی که می زنند و البته این هم یک حرفه‌ای است که ما را از میدان بدر کنند. ما نه از میدان بیرون نمی رویم. خوب این یک مقدار از حرفها بود که با آقایان عرض کردیم و امیدوارم در ماه مبارک رمضان این ماه بزرگ هم دعا کنند به این جمهوری اسلامی و هم هدایت کنند مردم را که مردم در صحنه باقی باشند. مردم گمان نکنند که ما دیگر پیروز شدیم و احتیاج به وجود آنها نیست. احتیاج به وجود آنها هست و همیشه هست دولت به تنهایی نمی تواند همه امور را اداره کند ملت را باید

همراه داشته باشد ما هم جنگمان تمام نشده، الان در حال جنگ هستیم و تا در حال جنگ هستیم جوانهای ما باید به جبهه ها کمک کنند. همانطوریکه تا حالا جوانها عزیز ما در جبهه ها رفتند و بسیاری از آنها به لقاء... و به فیض شهادت رسیدند. امروز هم ما احتیاج به آنها داریم. توطئه ها رو به رشد است. مساله ای که باید در آن، جنبه ای که مربوط به روز است عرض کنم، اینست که بعد از آن که این قدرتهای بزرگ و خصوصا آمریکا در همه توطئه ها فلج شد و شکست خورد و می بینید که این جنگی هم که او برای ما بپا کرده است، اینهم دارد به آخر می رسد یک توطئه دیگری عمیق ترا اجرا کرده است که در این توطئه مایک قدری بازی خورده ایم و او این است که یک نکته ای که پیش ملخیلی بزرگ است و مناسب به او حساسیت زیاد داریم، آن غائله را پیش آورد تا این که ملت ما را از این مظلومی که در کشور خودشان می گذرد و از آن جنگی که در کشور خودش می گذرد غافل کند. قضیه هجوم اسرائیل به لبنان.

امریکامی دانست که ما ملت مناسب به لبنان حساسیت داریم نسبت به اسرائیل هم از آن ور حساسیت داریم. این دام را امریکا درست کرد یعنی

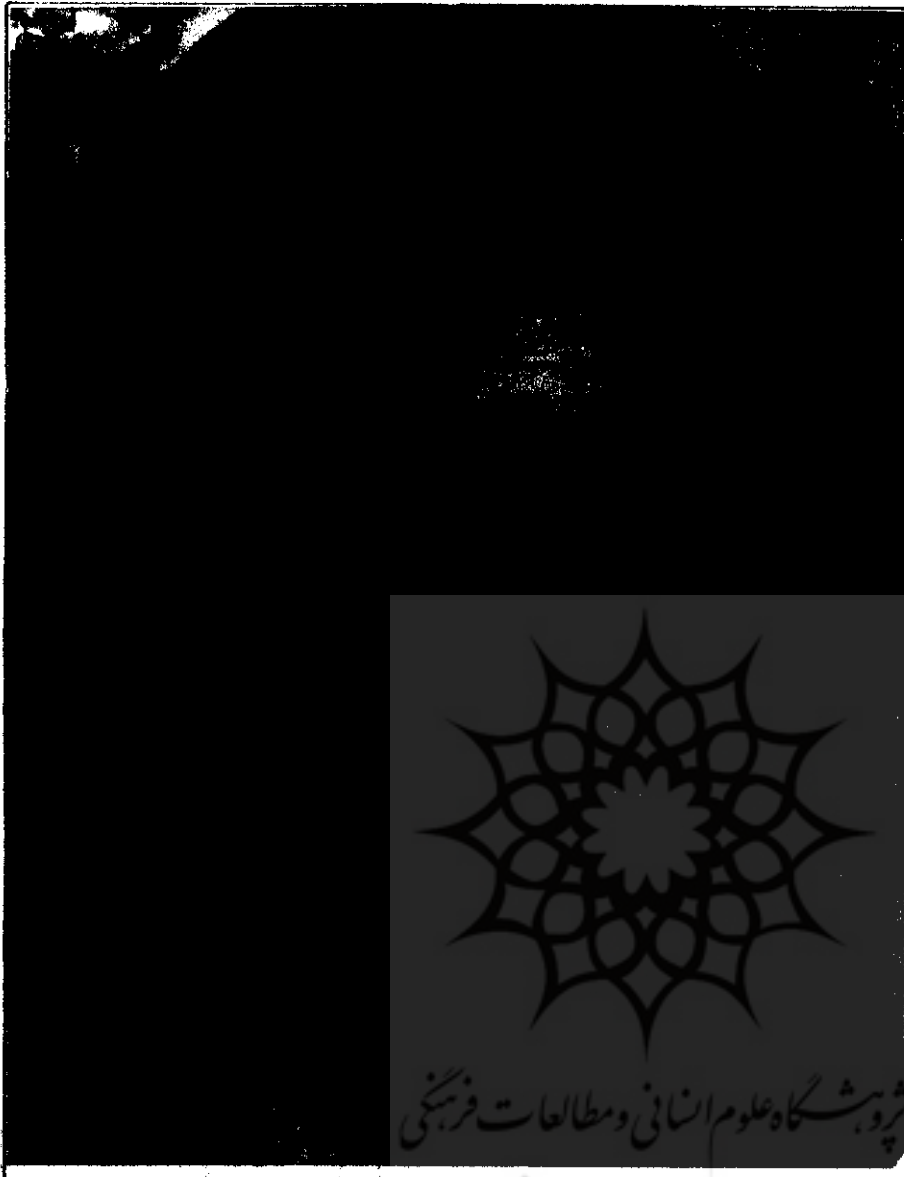
*** ما لبنان را از خود میدانیم، لکن مقدمه ای اینکه لبنان را ما نجات بدهیم، این است که عراق را نجات بدهیم، ما مقدمه را رها نکنیم و بی ربط برویم سراغ ذی المقدمه.**

آن نوکر خودش را فرستاد این که حمله کند به لبنان و آن همه خسارات وارد کند و آن همه جنایات، و ما میدانیم که اگر میلیونها جمعیت را از بین ببرند و یک مطالبی برای امریکا اصل بشود و یک نفعی برسد میگوید همه بروند از بین این را ما از بر قدرتها شناخیم. آنها در فکر این نیستند که در لبنان به زن و بچه مردم و به بلاد این مستندان و بیچارگان چه می گذرد.

آنها دنبال این هستند که ماصدام را در این طرف سر جای خودش نگاه دارند و ایران که در نظر آنها خیلی اهمیتش بیشتر از لبنان و جاهای دیگر است، برای آنها محفوظ بماند. امریکا می بیند که ما هم مرز با شوروی هستیم آن هم در طول صدها کیلومتر، و آن چیزی که امریکا رابه وحشت می اندازد، آن شوروی است. و آن میترسد از اینکه اگر چنانچه صدام از بین برود شوروی بتواند در این جاها یک

غلطی بکند. لکن ما می دانیم که نمی تواند. بعد از اینکه ملت اینطور که هست و در صحنه هست، باشد. هیچکس نمی تواند علاوه بر آن، می بیند که اگر چنانچه جنگ عراق پیش ببرد ایران، و به نفع خودش شکست بدهد عراق را، عراق به ایران متصل میشود یعنی ملت عراق، ملت مظلوم عراق از زیر چنگال این حزب ستمگر، خودش را اخراج می کند و متصل می کند موافق میل خودش، اسلامی.

و اگر ایران و عراق به هم پیوند کنند و اتصال پیدا کنند، سایرین کشورهای کوجولویی که در منطقه هست آنها هم به ایران می پیوندند. و امریکا از این منطقه زرخیز که برای او حاضراست هزاران لشکر خودش را از بین ببرد و هزاران مردم را از بین ببرد، محروم خواهد شد. این نقشه این است که بگین روارورد کند به اینکه توحمله کن به لبنان، لبنان که



توحمله کردی، ایران حساسیت نسبت به او دارد، و همه قوایش را متمرکز می کند در این که تورا از بین ببرد. و اگر ایران از جنگ عراق غافل بماند، عراق کار خودش را انجام میدهد و ایران در اینجا هم نمی تواند کاری بکند نقشه این است. باید همه ی ملت ما و همه ی دولتمردان ما توجه به این معنا داشته باشند که در عین حال که ما لبنان را با ایران از حیث مصالح و مقاصد، جدانمی دانیم، لکن باید کاری بکنیم که نتوانیم هم لبنان را و هم ایران را نجات بدهیم، از این کار اجتناب کنیم.

امروز تمام نظرها متوجه لبنان بشود و تمام قدرتها و گویندگان از لبنان بگویند، و تمام نویسندگان از لبنان بگویند، این، توفیقی است برای امریکا که ایران جنگ خودش را فراموش کرد، و هم عراق را از دست میدهد و هم لبنان را، نمی تواند بقیه در صفحه ۶

امام: باید از راه ...

دو عراق کاری بکند و نمی تواند در لبنان. ما راهمان این است که باید از راه شکست عراق، دنبال لبنان برویم، نه مستقلا (انشاء ... حضور).

شما ملاحظه کنید، اخیرا تمام رسانه های گروهی «تمامش، آن که من دیدم» راجع به جنگ عراق و ایران دیگر صحبتی نمی کنند، باید یک کلمه بگویند. همه رفتند سراغ لبنان، همه رادیوهایی که قبل از این که حمله ای این نامرد به لبنان آغاز شد، تمام حرفهایشان ایران بود و جنگ عراق، وقتی نقشه امریکا اینطور شد که ایران را از جنگ عراق منصرف نکند و برش گردانید به آن جایی که حساسیت دارد و آن راجع به لبنان است، از آن روز، این رادیوها و گویندگان خارجی راجع به ایران و این حرفها چیزی نمی گویند.

شما بدانید که این چیزی که از عراق در چند روز پیش، از آن مجلس عراق صادر شد که ما بلاد ایران را خالی می کنیم، این یک مسئله توطئه است. نه اینکه اینها میخواهند خالی کنند، اینها میخواهند تخدیر کنند ما را، و جوانهای ما را از جبهه منصرف کنند، و داوطلبانی که وقتی اعلام می کنند که ما ده هزار جمعیت بیست هزار جمعیت میخواهیم، صد هزار میروا اسم نویسی کند، سردشان کنند که نروند. وقتی رفتند، عراق در این مسئله ممکن است خدای نخواستہ پیروز از کار در بیاید. اگر عراق پیروز شد مطمئن باشید که شما در لبنان هم هیچ کاری نمی توانید بکنید. باید ما این نقشه ای که امریکا کشیده است برای ما، خنثی کنیم. یعنی همه گویندگان ما در سرتاسر کشور و همه انجمن جماعت ما در سرتاسر کشور این فتنه را بگویند که ما باید از راهی که شکست عراق است به لبنان برویم. عراق را نگذاریم سر جای خودش بایستد و جمع کند قدرت خودش را و دیگران هم به او کمک کنند و مرزهای خودش را قوی کند، بعد هم یک حمله ناگهانی بماند.

باز برگردد به آن چیزهایی که از اول بود غفلت از این، انتحار است. همه گویندگان موظفند چه انجمن جمعه و چه انجمن جماعت و چه خطبا و همه نویسندگان موظفند که این توطئه را افشا کنند و ذکر کنند و مردم را از توجه به جنگ خودمان غافل نکنند و بیدار کنند.

ما میخواهیم که قفس را نجات بدهیم لکن بدون نجات کشور عراق از این حزب منحوس، نمی توانیم. ما لبنان را از خود میدانیم، لکن مقدمه ای اینکه لبنان را ما نجات بدهیم، این است که عراق را نجات بدهیم. ما مقدمه را رها نکنیم و بی ربط برویم سراغ فی المقدمه، و همه چیز خودمان را صرف کنیم در آن، و عراق برای خودش محکم کنده جای خودش را.



*** اگر خدای نخواستہ یک دخالتی بی خود و بی جا، یک کارهایی که از روحانیون صحیح نیست انجام بدهید این جمهوری اسلامی لکه دار میشود**

من نمی دانم دیشب این اعلامیه ای که، اطلاعیه ای که صدام داده است و طولانی و خیلی طولانی است، آقایان ملاحظه کردند؟ اگر ملاحظه نکردند، دنبال کنند، پیدایش کنند، بنظر من می آید که این را نوشتند و آنهایی که نقشه دستشان است، نوشتند و دادند دست صدام که او بخواند. من آنطوری که از حال صدام در نظر است، این است که حال صدام این نیست که بتواند تفکر کند یا بتواند یک چیزی بنویسد. او این چیزها را از دست داده است. شما نمی دانید که چقدر هذیان در این گفتار است. اگر یک آدمی بود که به قبر یک جوان کلاس اول ادراک داشت، این را نمی خواند. این چیزی که برایش نوشتند نمی خواند. نمی دانید چقدر از پیروزیهای خودش نقل کرده؟ چقدر از شجاعتهای لشکر خودش که در همه جبهه ها پیروز شدند. چقدر ذکر کرده است، این را بخوانید و بخندید.

می گوید که این عقب نشینی ما پیروزی بزرگی است برای نجات ملت عراق. ما ملت عراق را نجات دادیم از این کشور، مثلا کی؟ از این کشور اسلامی، اینها ریختند در کشور ما و جنگ را شروع کردند و ما جلوی آنها را گرفتیم و عقب زدیم آنها را و بردیم تا آبادان و اهواز. یک آدمی که عقلش تا اندازه ای یک جوان سر

جا باشد، آنهمه از اول، آن همه صحبت ها کرده و اشتلم ها خواند، برای خودش سرداری کتا را نقشه چینی کرد و آن روز هم بازی اش داده بودند، امروز هم برایش نوشتند یک ورقه ای، مثل یک ورقه هایی که می نویسند و دست یک بچه می دهند که بخواند، منادش را خودش نمی داند چی است، لکن دیگران می فهمند. من میل دارم که آقایان پیدا کنند این را، کسانی که این اطلاعیه مطول را که یک ساعت بیشتر وقت من را صرف خودش کرده، مطالعه کنند. ببینند که این مرد چی دارد می گوید؟ اول چی گفت، حالا چی می گوید؟

می گویند: ما برای اثبات اینکه صلح طلبیم، صلح جو هستیم، همه لشکر خودمان را امر می کنیم که از خاک ایران تا ده روز دیگر بیرون بروند. اگر راست می گوید این مطلب را، بسیار خوب. این یکی از مطالبی که ما داشتیم، حاصل ولی چند تا مطلب دیگر داریم که باید حاصل شود تا حاصل نشود، ما در حال جنگ هستیم. یکی اینکه این همه خسارتی که به ما وارد کردید که خودش نوشته این را، اقرار کرده که خسارتی که بر ایران وارد کرده قابل شمارش نیست، اگر به این تعبیر، و از یک طرف هم می گوید که ما هزاران اسیر گرفتیم، و نمی فهمد این را که فردا باید جواب این را بدهد که: تو هزاران اسیر گرفتی بیا تحویل بده، ما که می گوئیم هزاران اسیر گرفتیم، همه این اشخاصی که، نویسنده ها و مخبرین که از خارج آمدند، بردیم نشانشان دادیم که بابا اینها در این شهر، اینها هستند و در شهرهای دیگر آنجا و آنجا و آنجا. در تلویزیون هم نشان دادیم یک مقدارش را البته، و ما می گوئیم: داریم این مقدار را، و هر وقت هم بخواهیم تحویل بدهیم، تحویل میدهیم. اما این آدمی که توجه به مسائل سیاسی ندارد، می گوید که: خسارتی که به ایران وارد شده قابل شمارش نیست، نمی شود ارزیابی کرد، فردا ازت می گیرند اینها را، ما از الان هم اعلام می کنیم که ما نه هیچ روزی جنگجو بودیم، به این معنا که حمله کنیم به یک کشور اسلامی، برای اینکه ما همه کشورهای اسلامی را خودمان می دانیم. بنای بر این نداشتیم که در یک کشوری دخالت کنیم، و تا حالا هم دخالت نکردیم. و نه تاکنون ارتش ما، سپاه پاسداران ما به کشور عراق حمله کردند. از اول شما بودید که حمله کردید و همه دنیا میدانند این را، برای چی این حرف را میزنی؟ برای دلخوشی خودت این حرف را میزنی؟ چرا این که نوشتند، یک دفعه دیگر مطالعه نکنی؟ به یک کسی بگویند بخواند و بفهماند که این چی چی نوشته؟ در اینجا، کی باور میکند در دنیا که ارتش ایران حمله کرده، بعضی شهرهای اینها را گرفته؟ آنها آمدند، حالا دفاع کردند و بمب نشانند اینها را تا آوردند به خوزستان و حالا هم پیروز مندانه این شهرها را رها میکنند و میروند بسیار خوب، تو بعمر و بدم، پیروز مندانه بیرون برو، و بعد هم این چیزهایی را که ما از دولت عراق

بقیه در صفحه ۷۱

جهاد

امام: باید از راه

میخواهیم، و این خسارتی که شما می‌گوئید به شمارش نمی‌آید، از شما اول بطور معقول مطالبه میکنیم، و اگر ندادید، مادر حال جنگ هستیم، بطور اجبار از شما می‌گیریم، و بعد هم باید به حسب وجدان دنیا و به حسب دستورات الهی باید آن کسی که اینقدر جنایت وارد کرده است به کشور خودش و کشور ما، باید این مشخص بشود. باید اشخاص بیایند، اشخاصی که طرفین قبول دارند، بنشینند و ببینند که ما حمله کردیم به عراقی یا او حمله کرده است؟ به ما چه خرابی‌هایی که آنها وارد کرده‌اند

ببینند، و بروند در شهرهای آنها خرابی از ایران چه شده ممکن است یک دفعه اشتباهی واقع شده باشد و بخواهند یک جای دیگری را بزنند، اشتباهی یک جایی را زده باشند. اما هر روز الان که اینها می‌گویند ما یک طرفه آتش بس دادیم، هر روز از آبادان تنها بیست نفر، سی نفر، زخمی و چند نفر شهید می‌شوند. این قضیه‌ی آتش بس آنهاست. مثل آتش بس بگین که آتش بس میکند، و دنبالش اینطور جنایات میکند. دنیا مبتلا است به یک چنین اشخاصی، دنیا مبتلا است به اینطور مغزهای پوک متفرعن، که همه

چیز را تباه یک روز سلطه‌ی خود میکند و چه وقت باید این دنیا از این گرفتاری بیرون بیاید؟ آنروزی که آمریکا در کار نباشد و آنروزی که شوروی در کار نباشد.

امیدوارم خدای تبارک و تعالی با همه شماها و با همه‌ی ما و با همه ملت ما عنایت داشته باشد. و در این ماه مبارک رمضان همه آقایان دست به دعا بلند کنند و به این جمهوری اسلامی و به لبنان و فلسطین و به همه محرومان و مستضعفان دنیا دعا کنند. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

بحران جزایر فالکلند

و فقه ناپذیری ادامه داشته و در حال گسترش است و دولت خانم تاچر را در استانه سقوط قرار داده است از سوی دیگر بابالاکرفتن قیامهای مردمی در کشورهای امریکایی لاتین امریکا بر آن شد تا از گسترش این قیامها جلوگیری کند چرا که از باب بزرگ نیز فاقد این نوان است که از استقرار حکومتهای مردمی جلوگیری بعمل آورد. بعنوان نمونه در السالوادور علیرغم کمکهای مالی و نظامی، دولت دست نشانده آن در استانه سقوط قرار گرفته و بدین ترتیب بعد از پیروزیهای چریکهای نیکاراگوئه بیم آن میرفت که آرژانتین نیز بزودی به این دو کانون الهام بخش قیام و شورش در امریکایی لاتین به پیوندد.

از یک انقلاب مردمی می‌بایست راه فراری پیدا کرد. از این رو درگیر حکومت دست نشانده آرژانتین در یک جنگ خارجی این فرصت را به دولت مذکور میداد تا بتواند مدت بیشتری در مقابل فشارها و نارضایتی‌های داخلی دوام بیاورد و مردم را از درگیر شدن با نظامیان حاکم منصرف نماید و متقابلا انگلیس نیز برای انحراف افکار و انتقال فشار از داخل به خارج نیازمند چنین سرزده‌ای «ایجاد جبهه جنگ خارجی» بود تا شاید دولت خانم تاچر بتواند مدتی دیگر به حیات خود ادامه دهد.

البته این گفتار به معنی نفی احتمال وجود یک اختلاف واقعی بر سر جزایری که دارای اهمیت اقتصادی و استراتژیکی برای هر دو کشور انگلیس و آرژانتین می‌باشد نیست و ممکن است دو کشور اردوگاه سرمایه‌داری علیرغم منافع مشترکشان به

جان هم بیاندازد و آن را وادار به جنگی اجتناب ناپذیر به خاطر عدم توافق بر سر میزان سهمی که هر یک از دو کشور باید بپردازند، نماید.

اما آنچه در پایان کار مشاهده شده است دو نقطه نظر اول را از اهمیت بیشتری برخوردار می‌سازد. برای اینکه جریان خیلی هم ساختگی به نظر نرسد و به قول معروف جریان خیلی سرد و بدون هیچ حادثه جنجال برانگیزی به پایان نرسد لاجرم چاشنی آخر استعفای رئیس جمهور آرژانتین و هم چنین وزیر خارجه انگلیس بود و بدین ترتیب بحران فالکلند (!!) به پایان میرسد.

بی شک مردم تحت ستم و سلطه آرژانتین به مبارزات خود جهت دست یافتن به حقوق حقه شان ادامه خواهند داد و سرانجام طعم استقلال و آزادی را خواهند چشید اشاءا...

لذا به منظور نجات دو کشور انگلیس و آرژانتین از بحرانی داخلی و دور کردن آرژانتین

فهد جانشین

در سال ۱۹۷۵ امیر فیصل بدست برادرزاده اش ترور میشود و برادر و ولیعهدی خالد بن عبدالعزیز جانشین وی میگردد. روابط عربستان با امریکا و فرانسه و آلمان روز بروز نزدیک تر میگردد. در حقیقت از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ که عربستان از تحریم نفتی اعراب علیه امریکا پشتیبانی کرد این کشور هرگز چون امروز در تضاد گیر نکرده بود، چرا که از یک طرف عربستان کوشش زیادی در حفظ روابط گسترده با امریکا دارد و به هیچ رونی خواهد امریکا را از خود از رده سازد و از سوی دیگر برقراری اتحاد عرب و دفاع اجباریش از جنبش فلسطین و مخالفت ظاهری با اسرائیل از سیاست خارجی عربستان را دچار اختلال کرده است اما این وضعیت بیثباتی ندارد و این تضاد به نفع امریکا (و اسرائیل) حل میشود. عربستان بخاطر حفظ وجهه خود در میان سایر دول عرب به مخالفت علیه قرارداد کمپ دیوید می‌پردازد و برای بدست آوردن دل امریکا طرح امریکایی فهد را پیشنهاد میکند و در این

و با اسرائیل روابط عادی برقرار مینماید و در طرح فهد اسرائیل را به رسمیت میشناسد. آنچه که محرز است چنانکه برادر هاشمی رفسنجانی در یکی از خطبه های نماز جمعه متذکر شدند، نقش وحدت اسرائیل و عربستان از نظر ماهیت سیاسی در منطقه است. و عربستان که روزی بخاطر جهاد با اسرائیل روابطش را با امریکا قطع میکند اکنون خود پایگاه تقویت اسرائیل در منطقه شده است جالب اینجاست که عربستان همچنان در لفظ خود را ضد صهیونیست میداند و خرید اسلحه از امریکا را برای دفاع از عربستان اعلام میکند (کاردار پادشاهی عربستان صمودی در تهران ۶۵/۲/۱۷)

باید در آخر اذعان کرد که مرگ خالد چندان تغییری در سیاست عربستان صعودی بوجود نخواهد آورد چرا که فهد قبلا امریکایی بودنش را به جهانیان ثابت کرده است و شاید خود نقش بیشتری از ملک خالد در نوکری امریکا ایفا کرده است.

جهاد